

## خصیصه‌های نظام نکبت و نقش مشروعیت ساز انتخابات

ر. رخشانی

شناخت شاخصه‌ها و خصیصه‌های نظام نکبت از مهم‌ترین مباحثی است که، در اغلب موارد، جامعه مدنی ایران در تعریف آنها با مشکل روبرو بوده است، اگرچه بنحوی پراکنده درباره آن شاخصه‌ها مستمرا در جنبش اندیشمندی ما ایرانی‌ها، مقالات و مصاحبه‌های فراوانی در رسانه‌ها موجود بوده اند.<sup>1</sup>

از آنجا که این روزها مباحث بسیاری در مورد انتخابات و شرکت یا عدم شرکت در آن مطرح می‌شود، هدف من در این مقاله کوتاه، معرفی بسیار کوتاه سه خصیصه نظام ولایت فقیه (یعنی محور نکبت<sup>2</sup> آن) است، تا شاید قادر باشم نقش مشروعیت ساز انتخابات را برای گروه حاکمه نظام نکبت آشکار سازم.

در بیشتر موارد پس از شکست انقلاب مردمی ۱۳۵۷ و به روی کار آمدن و شکل‌گیری تدریجی تشکیلاتی موازی، با استناد به آنچه کارگزاران نظام نکبت انجام داده‌اند، خصیصه‌های عمده رژیم (یعنی محور نکبت نظام) را می‌توان به سه شاخصه اصلی ۱- **غارت**، ۲- **جنایت** و ۳- **بسیج**، طبقه‌بندی کرد.

این سه خصیصه نه بنحوی اتفاقی و از هم گسسته، که بنحوی برهم متکی، بهم مرتبط و درهم پیوسته (بعنوان محور نکبت<sup>3</sup> نظام ولایت فقیه) در شکل‌گیری رفتاری و شخصیتی کارگزاران نظام (یعنی خودی‌ها<sup>4</sup>) و در تقویت پایه‌های ساختاری و موازی آن نظام، مستقیما نقش داشته‌اند.

1

گذشته‌گرایی به مثابه چالشی فرهنگی، در بیشتر موارد، ما را در تحلیل حال و ارانه چشم انداز آینده فلج کرده است. مشکل اصلی ناتوانی اپوزیسیون ما برای تعریف شاخصه‌های نظام نکبت در همان سندروم گذشته‌گرایی است

2

Axis of Catastrophic Object Wretchedness of the Rule of Jurisprudent's Regime

3

As Interdependent, Inter-related and Interconnected Characteristic Features of the Axis of Object Wretchedness

4

تعداد این افراد جنایت‌کار و خلاف‌کار از بدو انقلاب تا کنون از ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر بیشتر نیست، و با انگل زاده‌ها و خودی‌های شان بیش از ۲۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نفر نیستند که مسئول تصمیم‌گیری در تمامی جنایت‌ها و زیادت‌طلبی‌ها و خلاف‌های قانونی هستند. این افراد بر اساس اینکه در کجای "هرم قدرت نظام نکبت ولایت فقیه" هستند، بین ۱۰ نفر تا ۵۰ نفر حقوق بگیر (مامور امنیتی، لباس شخصی، آدم‌کش، شکنجه‌گر، دزد و غیره) دارند. اگر میانگین ۳۰ نفر "حقوق بگیر" را میانگینی مناسب بدانیم، می‌توان نتیجه گرفت که کلیت نظام ولایت فقیه زیر کنترل تعدادی بین ۷۵۰۰۰ تا ۹۰۰۰۰۰ نفر قرار گرفته است. اینها یک درصدی هستند، و ترس و سرکوب آنها نیز از آنجا سرچشمه می‌گیرد که یک درصدی هستند، و آن حقیقت اقلیت مطلق بودن خود را می‌دانند. با ایجاد وبسایتی در خارج از کشور که زیر کنترل نهادهای جهانی و حقوق بشری باشد، مدارک و شواهد و اسناد (بر علیه آنها) می‌توانند جمع‌آوری شده به مراجع قضائی جهانی تحویل داده شوند. با شناسائی این جنایتکارها، محل سکونت و منزل آنها و ملک آنها نیز شناسائی خواهند شد و در اختیار عموم قرار خواهد گرفت. حساب‌های بانکی و بنگاه‌های مالی آنها نیز شناسائی خواهند شد، و اگر مردم ما، چنین اسنادی را در مورد شاهرودی (پیش از مرگ وی) آماده کرده بودند، وی هرگز نمی‌توانست

همه کارگزاران و تصمیم گیران و تصمیم سازان نظام نکبت ولایت فقیه، از زمان شکست انقلاب مردمی ۱۳۵۷ تا کنون، بلا استثنا (اشخاص حکومتی و یا دولتی، رهبری نظام، رئیس جمهورها و یا روسای شکنجه گران، لباس شخصی ها، ماموران شنود، سه قوه، تصمیم گیران و تصمیم سازان اصلی نظام و سرکوبگران، جنایتکاران، و غیره<sup>5</sup>) کاملاً به این سه شاخصه وقوف داشته و دارند و بنحوی صریح یا ضمنی<sup>6</sup> در اشاعه و تقویت آن سه خصیصه دخیل بوده اند.

در طول بیش از چهل و پنج سال نکبت، جنبش دمکراتیک مردم ما به اندازه کافی پیرامون هریک از این سه شاخصه، مدارک و اسنادی بی شمار تهیه کرده است و برای من در این نوشته کوتاه پرداختن به آنها تنها در سطح اشاره است تا یادآور ابعاد فاجعه باشم.

پیرامون شاخصه یک محور نکبت (یعنی **غارت**) اینکه کارگزاران دزد و حریص، از بدو تاسیس نظام، دارایی های مردم را بالا کشیدند (یعنی ملاخوری، و البته به بهانه مصادره اموال کارگزاران نظام پیشین). ناگفته و نانوخته نیست که در همه انقلاب ها نوعی مصادره اموال بوده است، ولی در سرتاسر حیات نکبت بار نظام ولایت فقیه، ما حتی با یک نمونه از اعلام اموال مصادره شده و انتشار چنین دارایی ها (که متعلق به افراد نظام پیشین بوده و برای انتقال آن اموال به خزانه دولتی بوده باشد) روبرو

---

به خارج سفر کرده، و سپس به ایران بازگردد. مسلماً پیشگامی خانم دکتر عبادی و آقای دکتر لاهیجی (که رئیس فدراسیون سازمان های بین المللی حقوق بشر بوده اند) برای ایجاد چنین نهادی مدنی و چنین وبسایتی، می تواند این مسیر را هموارتر کند.

5

لیست تمام افراد و اشخاص در سمت های نامبرده و آدرس منزل آنها یا محل سکونت آنها می بایست برای آگاهی مردم ایران، در وبسایتی گذاشته شود تا مردم ما آشنایی بیشتری با این افراد داشته، و فرایند جمع آوری اسناد، شواهد و گواه ها بر علیه آنها هرچه ساده تر آغاز گردد. اکثر آحاد مردم ما، افراد و اشخاصی که در زیادت طلبی ها و تخلفات "نظام نکبت" شریک بوده اند را نمی شناسند. برای نمونه، کمتر ایرانی هایی هستند که لیستی از اعضای مجلس خبرگان داشته باشند و تخلف کارها را بشناسند، و اهمیت تاسیس نهادی مدنی و وبسایت آن در خارج از ایران، معرفی همین کسانی است که مسلماً از تصمیم گیران تخلفات بوده اند. اگر سندی (برای دزدی، حیف و میل سرمایه های ملی، دستور جنایت و غیره) بر علیه هر یک از افراد نامبرده نباشد، مسلماً بی گناه قلمداد شده، و تنها کارمند تلقی خواهند شد. اگر هم در فرآیند فرستادن اسناد و مدارک به نهاد مدنی و مردمی ما کمک کنند، جرم احتمالی آنها مسلماً تقلیل داده خواهد شد.

مردم عزیز ایران، چه در داخل و چه در خارج، که در بنگاه های مالی، بانک ها و غیره کار می کنند، می توانند به آسانی (با توجه به امکانات تکنولوژیک کنونی) اسناد مالی این دزدسالارها و "خودی" های شان را بی خطر و بی هزینه به چنین مرکزی جدید بفرستند. اگر هم در همسایگی آنها هستند، می توانند آدرس آن ها را بفرستند تا به هر یک از اسناد، مورد به مورد، رسیدگی شود و پرونده دزدی مالی آن ها تشکیل گردد.

کارزارهایی اینترنتی یا کارزارهای شبکه های اجتماعی از قبیل "**نه به جمهوری اسلامی**" و همچنین کمپین **تقاضای همه پرسى و نظارت از شورای امنیت سازمان ملل** و موارد مشابه بسیار لازم و مورد دفاع اند اما کافی نیستند. ما ایرانی ها نیاز به این داریم که کارگزاران نظام نکبت را یک به یک شناسایی کرده، بایکوت بین المللی کنیم و تحت تعقیب قانونی قرار دهیم تا وحشت از عقوبت کارهای اهریمنی شان را در وجود آنها ابدی سازیم. واقعیت این است که علیرغم میل به خشونت پرهیزی، میزان نفرت از این ۲۵۰۰ - ۳۰۰۰ نفر کارگزاران اصلی و تصمیم سازان نظام نکبت بقدری بالاست که مسلماً بسیاری از آنها، پیش از پیشگیری اجتماعی از خشونت، توسط مردم تکه تکه خواهند شد. همان بهتر که محل سکونت آنها را شناخته تا بهنگام درون پاشی نظام (بدون برق و تلفن و دیگر مظاهر مدرنیته) همه آنها تا زمان محاکمه **حصر خانگی** شوند. هم امروز نیاز به این داریم که **محل سکونت کارگزاران نظام نکبت شناخته شوند** که فردا دیر است.

6

نبوده ایم، و اغلب، آن دارایی های غارت شده بین خودی ها تقسیم شده (مال مردم خوری) و تحکیم کننده پیوند آنها (یعنی خودی ها) بوده است. تبدیل برخی اموال غارت شده به مراکز عمومی یا نهادها و بنیادها نیز تنها نوعی کارآفرینی برای انگل زاده‌ها و خودی‌ها بوده است تا مثلاً به غارت "مشروعیت مردمی" دهند.

همین خصیصه **غارت**، در سرتاسر وجودی نظام نکبت به اشکال مختلف تجدید تولید شده و کماکان و مستمرا در دزدی ها، زمین خواری ها، اختلاس ها، جنگل خواری ها و غیره، در دگردیسی ای نکبت بار بوده است. در هرم قدرت حاکمه نظام نکبت، هرچه موقعیت بالاتر، میزان ملاخوری و غارت بیشتر بوده است و مسلماً مجموعه بیت رهبری و سپاه، در بیشتر موارد، دو نهاد اصلی و غارتگر نظام نکبت بوده اند.

دستگیری های بدون مجوز و گروگانگیری ها (و سپس تقاضای وثیقه یا باج در ازای آزادی) جلوه دیگری از شاخصه غارتگری نظام نکبت است.

شاخصه دوم نظام نکبت که همواره در طول بیش از چهل و پنج سال گذشته استمرار داشته، و عملکرد چنین رژیم را تعریف می کند، **جنایت** است. جنایت ها نه تنها در قتل‌های اخیر در جنبش زن، زندگی، آزادی بلکه از روزهای نخستین نظام، یعنی هنگامی که تیرباران ها در پشت بام مدرسه علوی اسلامی، بدون هرگونه محاکمه ای انجام می گرفت، آغاز شده، تا سرکوب و جنایات جنگی در کردستان، که آقای خمینی کفرستان می نامید و آقای بنی صدر تا نابودی "ضد انقلاب" چکمه از پا در نمی آورد و قاسم تا سلیمانی از کرمان به آنجا لشکر می فرستاد، تا اعدام های سیاسی در زندان ها، تا بهانی کشی ها و آغاز کشتارهای خرداد ۶۰ به بعد (که شاید نام های ۵۰ تا ۱۰۰ جوان اعدامی بدون هرگونه محاکمه، هر روزه برای یک سال در "روزی نامه های حکومتی" بچاپ می رسید، تا اهل سنت کشی ها تا قتل عام زندانیان سیاسی در شهریور ۱۳۶۷، تا ترور و کشتن رهبران آپوزیسیون در خارج کشور، تا قتل در کوی دانشگاه، تا قتل های زنجیره ای، تا سرکوب و کشتار مردم پس از تقلبات انتخاباتی ۸۸، تا کشتار در دی ماه ۹۶ و قتل و جنایت در آبان ۹۸) همه و همه، همواره هویت جنایتکارانه نظام نکبت و همه کارگزاران سکوت گزین و تصمیم گیران آن را آشکار می سازند.

شاخصه سوم و پایانی نظام نکبت ولایت فقیه، **بسیج**<sup>7</sup> است. این شاخصه در همه نظام های بی لیاقت و توتالیتار، خودکامه و اقتدارگرا، شکلی ویژه از به حرکت درآوردن لشوش و الواط و همچنین نهادسازی و سازماندهی برای مشروعیت سازی چنین نظام هایی است.

بسیج توده ای برای نخستین بار در نظام استالینی شوروی در اوایل دهه دوم قرن بیست شکل داده شد. همین شکل و شیوه از بسیج، در نظام های استبدادی موسولینی در ایتالیا و سپس فاشیست آلمان نازی و

7

بسیج، هم بمفهوم آماده کردن و به حرکت درآوردن لشوش و الواط، و همچنین به معنی سازماندهی و شکل دهی به نهاد بسیج مد نظر می باشد

Mobilization, both as an institution and as a method of organizing mobs, ruffians and hooligans

بعدها در انقلاب به اصطلاح فرهنگی چین کمونیست و سپس در بسیاری سیستم های دیکتاتوری آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی، به خدمت گرفته شد تا سستی ها و بی کفایتی ها را، از طریق ارباب شهروندان با حضور چماق بدست ها در خیابان ها، پوشیده نموده و سپس با بزرگ نمایی حضور میلیونی مردم "همیشه حاضر در صحنه"، برای خود حقانیت و مشروعیت بسازند.

بی کفایتی ها و ضعف های ذاتی نظام نکبت ولایت فقیه، که در برنامه ریزی های دوران اولیه آن شکلی نطفه ای داشتند، و در شکست های پی در پی برنامه ریزی های بی پایه و بدون چشم انداز آن نظام نمایان می شدند، با "توسعه یافتگی سستی ها" نیاز به جایگزین ساختن کل برنامه ریزی با بسیج<sup>8</sup> را بوجود آورد.

بسیج نیروهای حاشیه ای و لشوش و الواط از طریق ساختارهایی سلسله مراتبی و هیاتی، با تمام مشکلاتی که به همراه داشت، راه حلی پراگماتیک برای نظام نکبت بود، اما این راه حل، در ارتباط با تقلیل آهنگ رشد جمعیت، کارآیی خود را از دست داد. تا زمانی که جمعیت کشور رو به افزایش بود، نظام نکبت می توانست با تکیه بر نهاد بسیج (همان نیروهای حاشیه ای و لشوش و الواط) و همچنین با بسیج فقرای شهری، با هر نوع اعتراضی مقابله کند و بر مشکلات سرپوش بگذارد. همچنین نظام نکبت می توانست با بسیج در انتخاباتی فرمایشی، خود را مشروع جلوه دهد. با آهسته شدن رشد جمعیت، ریزش "نیروهای امت همیشه حاضر در صحنه ی" نظام نکبت شدت گرفته، سیستم را مجبور به سویه دادن نیروهای بسیجی تنها به بخش هایی مشخص تر، از قبیل سرکوب جوانان، یا اذیت و آزار زنان و یا "شرکت امتی" در انتخابات، کرده است. دلیل علاقه رهبری نظام نکبت به ازدیاد جمعیت کشور در همین نکته ریزش نیروهای امت نهفته است.

تا آنجا که به جنبش مدنی ایران<sup>9</sup> و مبحث انتخابات مربوط می شود، می بایست به این شاخصه بسیجی نظام برای "حضور امت" جهت مشروعیت سازی خود توجه کرد. دقیقاً بهمین دلیل، غیاب (از نظر جنبش مدنی) به همان اندازه (و شاید حتی بیشتر) اهمیت دارد، که عنصر حضور "امت" برای نظام نکبت کلیدی شمرده می شود.

در همه جنبش های مدنی، غیاب (در انتخابات فرمایشی<sup>10</sup>، در محل کار، در تظاهرات جعلی، در کوچه و خیابان و غیره) زمینه ساز نوعی آگاهی برای جامعه مدنی برای حرکت بسوی اعتصابات و اعتراضاتی

8

Mobilization replacing Planning

9

تجربیات مدنی همه کشورهایی را که در چهل سال گذشته (شیلی، آرژانتین، دیگر کشورهای امریکای لاتین، کشورهای متعدد در اروپای شرقی منجمله روسیه، تونس و دیگر ملت ها) بدون جزم اندیشی دوگانه گرای "اصلاحات" یا "انقلاب"، سرنوشت خود در جنبش هایی مدنی تغییر دادند، مشاهده و مطالعه کنیم و بیاموزیم. در نهادهای مدنی و محلی خود درگیر شویم و ترس و کاسبکاری و تجاهل و بخل را کنار بگذاریم. همکاری کنیم و آینده مان را بسازیم.

10

نظام نکبت برای بسیج انتخاباتی، از قول واکسن کووید دادن به رای دهندگان گرفته، تا استفاده از اپ کلاب هاوس برای پروپاگاندا با حضور آقای ظریف، یعنی بکارگیری شبکه ای اجتماعی که داده های صوتی آن، توسط شرکت آگورا در شانگهای در همکاری با سازمان امنیت و اطلاعات چین، جمع آوری می شود، تا همزمان کردن انتخابات شهر و روستا

سراسری شد، که نهایتاً به فروپاشی نظام‌ها انجامید. در منزل ماندن، خرید نکردن، کسب و کار خود را بستن، به محل کار نرفتن و بطور کلی غیاب در همه صحنه‌های اجتماعی (به هر بهانه‌ای) آغازی بر پایان "حضور امت" و مشروعیت طلبی دولتی و مشروعیت‌سازی حکومتی است.<sup>11</sup>

اینچنین غیاب مدنی هوشمندانه در کشورهای قبیل شیلی، آرژانتین، اروگوئه، برزیل، مجارستان، چکسلواکی، آفریقای جنوبی و چندین کشور دیگر منجر به برنامه‌ریزی غیاب در روز اول کاری هر ماه و سپس روز اول کاری هر هفته و نهایتاً منجر به اعتصابات و اعتراضاتی سراسری و فروپاشی نظام‌های سرکوبگر شد.

ما می‌توانیم از تجربیات مدنی دیگر ملت‌ها بیاموزیم و مدنی شویم.

استراتژی مبارزات مدنی چنین است، غیاب هوشمندانه در نمایش‌های نظام‌نکبت و حضور هدفمند و مطالبه‌گر در اعتراضاتی مدنی.<sup>12</sup>

## ر. رخشانی

با انتخابات ریاست جمهوری، در گذشته استفاده‌ی ایزاری و تبلیغاتی کرده. مردم ما آگاه هستند که زمانی که تمامیت نظام نکبت مشروعیت ندارد، انتخابات فرمایشی شهر و روستا (مگر برای کارگزاران نکبت) بی‌معنی است و برای هدف بسیج مشروعیت‌سازی برای نکبت، برنامه‌ریزی شده است. در انتخابات امروز هم قبول صلاحیت آقای پزشکیان بسیار هوشمندانه و برای ایجاد شکاف در اپوزیسیون ب اصطلاح اصلاح طلب، آذری تبار و کرد تبار و گرم کردن مضحکه انتخابات فرمایشی است. وی هرگز در دور نخست ب ۵۰٪ آرا نمی‌رسد، و در دور دوم هم، با توجه ب تصویب رای الکترونیکی، انتخاب ب جلیلی یا قالیباف خواهد انجامید

Clubhouse App collecting Audio Data through Shanghai's Agora Company in collaboration with Chinese Intelligence Services

11

این نکته بویژه برای اینکه نظام نکبت (بدلیل کووید) نمی‌توانست فیلم‌های صندوق‌های رای و رای‌گیری‌های سال‌های گذشته را (که ماسکی در کار نبود) برای تبلیغات "حضور امت" نشان دهد

12

موثرترین شیوه قوام‌دهی به جامعه مدنی، گسترش هرچه بیشتر و تقویت هرچه عمیق‌تر پیوندهای نهادی موجود مدنی، و سپس ایجاد نهادهای نوین (از قبیل سازمان‌های زنان، جوانان، سالمندان، اتحادیه‌ها، اصناف، شوراهای سازمان‌های نویسندگان، هنرمندان، نهادهای زیست‌محیطی، محلی، قومی - فرهنگی، سازمان‌های کارمندان و کارگران، کشاورزان، رانندگان، آموزگاران، اساتید و پژوهشگران، و هزاران هزار نهاد غیردولتی، غیرانتفاعی و غیر خصوصی دیگر) هستند. این نهادها، نطفه‌های جامعه‌های قوام‌یافته مدنی آینده هستند. همه پژوهش‌های من نشانگر آن‌اند که هرچه تعداد این نهادها در هر جامعه‌ای و پیوندهای شان بیشتر، آن جامعه دمکراتیک‌تر است. درجه حیات دمکراتیک هر جامعه‌ای در هر جای جهان، نسبتی مستقیم با تعداد نهادهای پیوسته و درگیر مدنی همان جامعه دارد. هرچه نهادهای مدنی در جامعه فزون‌تر، و پیوندهای آن نهادها محکم‌تر، دمکراسی عمیق‌تر است، و روندهای غالب آن جامعه قانونمندتر است. جامعه مدنی، جامعه‌ای درگیر مسایل مردمی خود، و جامعه‌ای قانون طلب است. اهمیت تقویت پیوندهای مدنی دقیقاً در چنین واقعیتی است. بویژه در دوران گذار، تعدد و فزونی نهادهای مدنی و پیوندهای مستحکم آنها، محافظان و نگهدارنده‌های آینده هر جامعه‌ای و همچنین گسترش‌دهندگان روندهای دمکراتیک آینده آن جامعه هستند. کار داوطلبانه کردن در حوزه‌های مورد علاقه یکی از شاخصه‌های مدنی بودن است. برای نمونه جوانانی که از شهر خود به شهر دیگری برای ادامه تحصیل می‌روند، می‌توانند نهادهای مدنی شهر تحصیلی خود را بشناسند، در آنها درگیر شوند و آن‌ها را به نهادهای شهر خود معرفی و متصل کنند.

<https://www.mediafire.com/file/bcjwsdozdOnyfwfww/Raymond+Rakhshani+4-6-2018.MP3>

## پی نوشت

من چنین گمان، فکر و داوری می کنم که هرچه پیوندها و ارتباطات در اعتراضات و جنبش های مدنی گسترده تر و محکم تر، نیروی تغییر و بهبود شرایط قوی تر است. از آن گذشته نقش دموکراتیک چنین جریاناتی بهم پیوندخورده و پیوندزده، در آینده روشن کشور و در صیانت و گسترش حقوق مردمی بارزتر خواهد بود.

مبارزان خارج از کشور می بایست و می توانند حلقه ارتباطاتی و پیوندی همه جنبش ها و اعتراضات (با حداقل ریسک های امنیتی برای مبارزان داخلی) باشند.

من چنین گمان، فکر و داوری می کنم که مبارزان شجاع داخل ایران، برحسب شرایط، راه حل های ویژه و بومی خود را در پیوند با دیگر مبارزان داخلی خواهند یافت و من به راه حل های از پیش آماده، کلی گویانه، عام و قالبی باور ندارم. شرایط، و برآیند نیروهای بهم پیوند خورده، راه حل های مناسب برون رفت را خواهند یافت. مهم، پیوند و ارتباط نیروهای مبارز و متعهد داخل و خارج از کشور است.

من همواره آماده شنیدن پیشنهادات از کنشگران مدنی خارج از کشور، و دریافت راهکارهای بهینه برای ارتباطات افراد پیشقراول مبارزات، در جهت تقویت پیوندهای مدنی آن ها با دیگر مبارزان و کنشگران داخل کشور، هستم.

ما همه افراد و آحاد فرهنگی مشترک هستیم و شکاف بین خارج و داخل از ترفندهای نظام نکبت است.

<https://t.me/natureofscience>

[raymond\\_rakhshani@yahoo.com](mailto:raymond_rakhshani@yahoo.com)